****

[نفی اطلاق شرطیت ذبح در منی 1](#_Toc489461363)

[بیان اول 1](#_Toc489461364)

[بیان دوم 4](#_Toc489461365)

[مناقشه 4](#_Toc489461366)

[رد علم اجمالی در فرض اطلاق دلیل ذبح 5](#_Toc489461367)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## نفی اطلاق شرطیت ذبح در منی

بحث در این بود که دلیلی بر شرطیت مطلقه ذبح در منی پیدا نکردیم که شامل موارد عجز یا حرج نوعی از ذبح در منی بشود، و لکن این به تنهایی برای حکم به وجوب ذبح در خارج منی کافی نیست، چون باید اطلاقی بیابیم که بر اساس آن بگوییم ذبح در حج تمتع واجب است حتی در صورت عجز و حرج نوعی از ذبح در منی و گفته شده که چنین اطلاقی وجود ندارد، به دو بیان؛

### بیان اول

آیه فما استیسر من الهدی، در مقام بیان از حیث شرایط ذبح هدی نیست و شاهدش این که در روایات کثیره، قیود و شرایطی برای مکان و زمان ذبح و مذبوح ذکر کرده اند و کشف می کند که آیه شریفه در مقام بیان اصل وجوب حج است.

علاوه بر این که و لاتحلقووا رووسکم حتی یبلغ الهدی محله نشان می دهد که هدی مکان شرعی دارد که باید در آن جا ذبح شود و این ما یصلح للقرینیة است.

اما در روایات نیز فقط یک روایت شبهه اطلاق دارد و آن صحیحه زرارة است: وَ عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي الْمُتَمَتِّعِ قَالَ وَ عَلَيْهِ الْهَدْيُ قُلْتُ وَ مَا الْهَدْيُ- فَقَالَ أَفْضَلُهُ بَدَنَةٌ وَ أَوْسَطُهُ بَقَرَةٌ وَ آخِرُهُ شَاةٌ.[[1]](#footnote-1)

گفته می شود علیه الهدی، اطلاق دارد و به مکان خاصی تقیید نخورده، در جایی که امکان ذبح در منی باشد، اطلاق را قید می زنیم و در ما بقی، به اطلاق اخذ می کنیم.

اما به نظر می رسد که عرف از این گونه تعابیر بیش از اصل وجوب هدی را استفاده نمی کند، چرا که معلوم بوده که ذبح، شرایطی دارد، مثل این که گفته شود یجب التقلید علی العامی که در مقام بیان از جهات مختلف و شرایط تقلید نیست.

علاوه بر این که احتمال قوی می رود ارتکاز متشرعه بر اشتراط ذبح به منی، مثل قرینه متصله بوده که مانع از تمسک به اطلاق خطاب شود.

ان قلت: ممکن است که آیه یا روایت، به لحاظ ماده و متعلق مطلق نباشد، اما به لحاظ هیئت و وجوب، اطلاق دارد، وجوب المتمتع علیه الهدی مطلق است و در هر شرایطی این وجوب وجود دارد، بیان گذشته، اطلاق ماده را زیر سوال برد، اما اطلاق هیئت باقی است، اطلاق هیئت می گوید حتی امروزه نیز ذبح واجب است و به ملازمه کشف می کنیم که ذبح در منی امروزه شرط نیست و اگر هم عجز شخصی داشته باشیم، از شرطیت آن برائت جاری می کنیم.

قلت: اگر متعلق اهمال داشته باشد، مثلا صلاة در اقیموا الصلاة اهمال دارد، در این جا دیگر نمی توان به اطلاق هیئت تمسک نمود و اثبات وجوب در موارد مشکوک الجزئیة یا شرطیة در مثل فاقد الطهورین نمود، و به ملازمه کشف کرئ که نماز بدون طهارت بر او واجب است، زیرا وقتی متعلق بین مقدور و غیر مقدور مردد شود، و فرض این است که دلیل لفظی و لبی همه وجوب ها را تقیید زده به لزوم مقدور بودن متعلق، چون شاید متعلق وجوب، نماز با طهارت باشد، مقید لبی و لفظی گفته تکلیف، مشروط به قدرت است و تمسک به عام در شبهه مصداقیه لبی متصل یا لفظی منفصل می شود که در هیچ کدام جایز نیست، خصوصا در مخصص لبی متصل که کسی قائل به جواز تمسک به عام نشده است.

در ما نحن فیه نیز نمی دانیم بر متمتع ذبح در منی واجب است یا ذبح ولو در خارج از منی و فرض این است که متعلق اطلاق ندارد، اگر متعلق وجوب، ذبح هدی در منی باشد، تکلیف به قدرت مشروط خواهد بود و شبهه مصداقیه خطاب تکلیف می شود.

لذا این که محقق خوئی فرموده چون خطابات ذبح در منی، شرطیت مطلقه را بیان نمی کند، به اطلاقات وجوب ذبح ولو خارج از منی رجوع می کنیم، ناتمام است، زیرا چنین اطلاقی ثابت نیست.

### بیان دوم

عرفا امکان تقیید به قیود مستحدثه وجود ندارد، در زمان شارع عرفی نیست که تقیید به قیودی بزنند که در عصر غیبت به وجود خواهد آمد و چون امکان تقیید نیست، اطلاق هم منعقد نمی شود.

در ما نحن فیه هم المتمتع علیه الهدی، قابل تقیید به قیود مستحدث در غیبت نیست که حجاج از ذبح در منی منع می شوند و لذا اطلاق هم منعقد نمی شود.

#### مناقشه

ولی این بیان به نظر ما ناتمام است، چون برای این که ببینیم اطلاق ممکن است یا نه، باید تقییدی که در مقابل اوست را ببینیم و تقییدی که این جا در مقابل اطلاقات ذبح است، تقیید به ذبح در منی است و چون این تقیید اثباتی ممکن است، پس اطلاق اثباتی هم ممکن است.

(این غیر از بحث گذشته است که می گفتیم لا ذبح الا بمنی، چون قابل تقیید به فرض عجز نوعی از ذبح در منی نیست، پس اطلاق هم ندارد، زیرا در آن جا تقابل بین اطلاق شرطیت ذبح در منی نسبت به فرض عجز نوعی با تقیید شرطیت ذبح در منی به فرض عجز عام بود و گفته می شد که عجز عام که در آن زمان نبوده است.)

لذا بیان دوم برای منع از اطلاق قابل پذیرش نیست، اما اگر نتوانیم از بیان اول جواب بدهیم، علم اجمالی منجز، مقتضی احتیاط و جمع بین ذبح در خارج منی و صوم است.

البته اشکال گسترده تر است، مرحوم خوئی چون قائل به اطلاق در دلیل امر به ذبح است، فرموده دلیل شرطیت ذبح در منی نسبت به حال عجز از ذبح در منی اطلاق ندارد و لذا به اطلاقات اصل ذبح رجوع می کنیم، اما ما می گوییم حتی اگر دلیل شرطیت ذبح در منی مطلق باشد که محقق خوئی فرمود در آن صورت، نوبت به صوم می رسد، باز هم نوبت به رجوع به اصل عملی می رسد، زیرا ظاهر فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایام فی الحج ... این است که واجد الهدی نباشد و کسی که هدی دارد و به او اجازه ذبح در منی نمی دهند، عرفا مصداق فاقد الهدی نیست، عرفا فاقد الهدی به کسی می گویند که پول قربانی ندارد یا قربانی پیدا نمی کند.

لذا این که ایشان مفروغ گرفته که اگر اطلاق در اصل دلیل ذبح ثابت شود، نوبت به صوم می رسد، نادرست است، بلکه نوبت به اصل عملی و علم اجمالی منجز می رسد.

### رد علم اجمالی در فرض اطلاق دلیل ذبح

ما برای گرفتار نشدن به علم اجمالی، سه راه بیان می کنیم:

راه اول

به اطلاق و اذن فی الناس بالحج[[2]](#footnote-2) ... لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ[[3]](#footnote-3) رجوع می­کنیم، اطلاق محلها الی البیت العتیق می گوید باید ذبح قریب به بیت عتیق انجام شود و نهایتا در موارد تمکن، به ذبح در منی تقیید می خورد.

این آیه در مقام بیان است، زیرا جزئیات بسیاری از ذبح و احکام آن را بیان کرده است.

لذا ما می گوییم وقتی دلیل شرطیت ذبح در منی اطلاق ندارد، این آیه می گوید ذبح قربانی در حرم که قریب به بیت عتیق است، واجب می باشد و از این آیه استفاده می شود که ذبح در غیر حرم نیز مجزی نیست.

راه دوم

از روایات استفاده می شود که به مجرد عجز از ذبح در منی، قربانی ساقط نمی شود، بدل صوم برای کسی است که پول قربانی ندارد یا قربانی پیدا نمی کند، مثل روایت نضر بن قرواش: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ قِرْوَاشٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ- فَوَجَبَ عَلَيْهِ النُّسُكُ فَطَلَبَهُ فَلَمْ يَجِدْهُ- وَ هُوَ مُوسِرٌ حَسَنُ الْحَالِ وَ هُوَ يَضْعُفُ عَنِ الصِّيَامِ- فَمَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَصْنَعَ قَالَ- يَدْفَعُ ثَمَنَ النُّسُكِ إِلَى مَنْ يَذْبَحُهُ بِمَكَّةَ- إِنْ كَانَ يُرِيدُ الْمُضِيَّ إِلَى أَهْلِهِ- وَ لْيَذْبَحْ عَنْهُ فِي ذِي الْحِجَّةِ- فَقُلْتُ فَإِنَّهُ دَفَعَهُ إِلَى مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُ- فَلَمْ يُصِبْ فِي ذِي الْحِجَّةِ نُسُكاً وَ أَصَابَهُ بَعْدَ ذَلِكَ- قَالَ لَا يَذْبَحُ عَنْهُ إِلَّا فِي‌ ذِي الْحِجَّةِ وَ لَوْ أَخَّرَهُ إِلَى قَابِلٍ.[[4]](#footnote-4)

حضرت درباره کسی که قادر بر قربانی و روزه نیست، فرموده پول به کسی بدهد که هرگاه هدی پیدا شد، در مکه ذبح کند و معلوم می شود که شرطیت ذبح به منی، مطلقه نیست، اما چنین نیست که در هر جا بتواند ذبح کند، بلکه باید در خود مکه ذبح کند.

نذر بن قرواش مروی عنه صفوان است و در کتب مختلفی این نقل شده و لذا به شهادت شیخ طوسی ثقه است.

صحیحه معاویة بن عمار: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنًى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ- فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ قَالَ لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.[[5]](#footnote-5)

ظاهر روایت این است که در مکه ذبح کرده است و مفاد این روایت با شرطیت مطلقه ذبح در منی نمی­سازد.

صحیحه حریز: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي مُتَمَتِّعٍ يَجِدُ الثَّمَنَ وَ لَا يَجِدُ الْغَنَمَ- قَالَ يُخَلِّفُ الثَّمَنَ عِنْدَ بَعْضِ أَهْلِ مَكَّةَ- وَ يَأْمُرُ مَنْ يَشْتَرِي لَهُ وَ يَذْبَحُ عَنْهُ وَ هُوَ يُجْزِئُ عَنْهُ- فَإِنْ مَضَى ذُو الْحِجَّةِ أَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى قَابِلٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.[[6]](#footnote-6)

راه سوم

ملاک هدی حج، اطعام فقیر و تاسی به حضرت ابراهیم علیه السلام است و قطعا این ملاک در صورت عجز عام ساقط نمی شود، قطع از مذاق شارع حاصل می شود که به سقوط وجوب ذبح و این که همه مردم روزه بگیرند، راضی نیست.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 101؛ 10 باب أنه يجزئ المتمتع شاة و يستحب الزيادة و التعدد و كذا الأضحية ؛ ج 14، ص : 100](http://lib.eshia.ir/11025/14/101) [↑](#footnote-ref-1)
2. [سوره الحج، آيه 27](http://lib.eshia.ir/17001/1/335/%D9%81%DB%8C_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%D8%B3_%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%AC) [↑](#footnote-ref-2)
3. [سوره الحج، آيه 33.](http://lib.eshia.ir/17001/1/336/%D9%85%D9%8E%D8%AD%D9%90%D9%84%D9%91%D9%8F%D9%87%D9%8E%D8%A7_%D8%A5%D9%90%D9%84%D9%8E%D9%89_%D8%A7%D9%84%D9%92%D8%A8%D9%8E%D9%8A%D9%92%D8%AA%D9%90) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 176؛ 44 باب أن من عدم الهدي و وجد الثمن وجب أن يخلفه عند ثقة يشتريه و يذبحه في ذي الحجة و إلا فمن قابل فيه و من وجد الثمن بعد أيام الذبح صام ؛ ج 14، ص : 176](http://lib.eshia.ir/11025/14/176) [↑](#footnote-ref-4)
5. وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنًى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ- فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ قَالَ لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ. [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 176؛ 44 باب أن من عدم الهدي و وجد الثمن وجب أن يخلفه عند ثقة يشتريه و يذبحه في ذي الحجة و إلا فمن قابل فيه و من وجد الثمن بعد أيام الذبح صام ؛ ج 14، ص : 176](http://lib.eshia.ir/11025/14/176) [↑](#footnote-ref-6)